

باشد و همان‌طور که بیان شد، پدرش دوران امام جواد علیه السلام را درک کرده است. محمد بن عیسی بن عبید در همین طبقه و از کسانی است که دوره این امام همام را درک کرده است. شاهد دیگر، سندی است که سید بن طاووس آن را در اقبال آورده و از کتاب ابن ابی‌قره با اسنادش از علی بن الحسن بن فضال از محمد بن عیسی بن عبید، دعا را نقل می‌کند. در این سند، به ابن عبید بودن محمد بن عیسی تصریح شده است. این سند از طریق دیگری، غیر از کلینی به دست سید بن طاووس رسیده است؛ اما بخش عمده‌ای از روایان با طریق کلینی مشترک هستند.

مرحوم نجاشی در مورد شخصیت محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین می‌گوید:

«از بزرگان اصحاب ماست که ثقه و عین است. روایت زیاد دارد و صاحب

تصانیف نیکوست و از امام جواد علیه السلام مشافهتاً و مکاتبتاً روایت نقل کرده است.»^۱

شیخ طوسی وی را ضعیف دانسته و دلیل ضعف وی را این نکته بیان داشته که صدوق و ابن ولید این راوی را از رجال نوادر الحکمه استثنا کرده‌اند.^۲

آیت‌الله خوئی بعد از بیان دیدگاه رجالیان در مورد محمد بن عیسی، این دیدگاه را جمع‌بندی کرده و تضعیف شیخ را بی‌اساس دانسته و آن را با توثیق نجاشی و دیگر توثیقات معارض نمی‌داند. ایشان معتقد است که استثنای صدوق به تبع از استادش، ابن ولید، به جهت مناقشه در شخصیت محمد بن عیسی بن عبیدی نیست، بلکه تنها در نقل روایتش از یونس مناقشه کرده‌اند. بهترین شاهد، اعتماد صدوق بر روایات او از غیر یونس است و این‌گونه نیست که به کل روایات او عمل نکرده باشند؛ هر چند آیت‌الله خوئی در مورد نقل روایتش از یونس هم مناقشه ابن ولید را نپذیرفته و آن را ناشی از اجتهاد غیر ظاهر می‌داند.^۳ مرحوم کلینی نیز به روایت محمد بن عیسی از یونس اعتماد کرده و روایات زیادی در کافی با این طریق آورده است. آنچه در بین کلام رجالیان جلب توجه می‌کند، کتاب‌ها و تصانیف فراوان از این محدث است. مرحوم کشی بعد ذکر نام کتاب‌های وی، طریق خود به این کتاب‌ها را بیان می‌کند. همچنین شیخ طوسی به برخی از این کتاب‌ها طریق داشته است.

برای محمد بن عیسی این امکان وجود داشته که به صورت شفاهی و بدون واسطه از برخی از معصومان معاصر خود روایت نقل کند. در کتاب‌های رجالی، گاهی ایشان را از اصحاب امام

۱. نجاشی، رجال نجاشی، ص ۳۳۳.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۰۲.

۳. خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸.

عسکری علیه السلام و گاهی از اصحاب امام هادی علیه السلام برشمرده‌اند و نیز از افرادی عنوان شده است که به صورت شفاهی و نامه نگاری از امام جواد علیه السلام روایت می‌کند؛ و حتی شیخ طوسی در رجالش وی را از اصحاب امام رضا علیه السلام دانسته است.^۱

صالحین علیهم السلام

منظور از "صالحین"، امامان معصوم علیهم السلام هستند. در نقل شیخ طوسی در تهذیب نیز، بجای "صالحین"، واژه "صادقین" آمده و منظور از صادقین به طور قطع معصومان علیهم السلام است. نظیر این جابه‌جایی تعبیر، در روایتی دیگر صورت گرفته و در نقل کتاب "من لایحضر" کلمه "صالحین"^۲ و در نقل کتاب کافی واژه "صادقین" آمده است.^۳

در لسان راویان، تعبیر صادقین به جای امامان معصوم علیهم السلام به کار رفته است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

(الف) بعد از شهادت موسی بن جعفر علیه السلام دو نفر از سران واقفه به یونس بن عبد الرحمن پیشنهاد مال فراوان دادند تا دست از ولایت و امامت علی بن موسی بردارد؛ اما او در پاسخ آنان، به کلام معصومان علیهم السلام استناد کرده است و می‌گوید:

«إِنَّا رُوِينَا عَنِ الصَّادِقِينَ: أَنَّهُمْ قَالُوا إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالَمِ أَنْ يُظْهَرَ عِلْمُهُ؛ مَا

از امامان معصوم علیهم السلام روایت کرده‌ایم که آنان فرموده‌اند زمانی که بدعت‌ها ظاهر شود، بر علمان واجب است که علمشان را ظاهر سازند.»^۴

(ب) در نامه‌ای که عبدالله بن جعفر الحمیری به امام عسکری علیه السلام می‌نویسد؛ از ایشان مسئله‌ای فقهی را که از معصومان علیهم السلام شنیده است، سؤال می‌کند و برای آنان تعبیر "صادقین" را به کار می‌برد: «أَنَّهُ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِينَ: أَنْ اخْتَبْنَا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ يَطْهَرُوا وَ...» و حضرت پاسخ وی را می‌دهند.^۵ همان‌طور که اشاره شد در نقل دیگر تعبیر "صالحین" به کار رفته است.^۶

۱. همان، ص ۱۱۴ و ۱۱۵.

۲. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۸.

۳. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۳۵.

۴. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۱۳.

۵. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۳۵.

۶. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۸.

ج) از فضل بن شاذان النیشابوری فرعی فقهی در مسئله ارث بیان شده که ایشان در استدلال خود به عدم روایت از معصومان علیهم السلام در این زمینه استناد کرده است و می‌گوید: «لم أرو بهذا حديثاً عن الصادقين...»^۱

در لسان علما نیز از امامان معصوم علیهم السلام به صادقین تعبیر شده که به چند مورد اشاره می‌شود:
الف) شیخ مفید رحمته الله موارد متعددی از روایات را از معصومان علیهم السلام نقل کرده و از ایشان به "صادقین" تعبیر کرده است. عبارتش این است: «رَوَى عَنِ الصَّادِقِينَ علیهم السلام ...»^۲

ب) مرحوم ابن مشهدی رحمته الله در مورد زیارت جامعه می‌گوید: «وَالْقَوْلُ فِي مُبْتَدَأِ الْأَمْرِ فِي الزِّيَارَةِ إِلَى آخِرِهَا وَرَدَّتْ عَنِ الصَّادِقِينَ؛ إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ قُبُورِ الْأَئِمَّةِ فَلْيَكُنْ مِنْ قَوْلِكَ عِنْدَ الْعَقْدِ عَلَى الْعَزْمِ وَ النَّيَّةِ؛ در مورد گفتار زایر در امر زیارت از اول تا آخرش از صادقین علیهم السلام چنین وارد شده است: زمانی که خواستی به زیارت قبور امامان علیهم السلام بروی، باید همانند گفتار در زمان عقد، صاحب عزم و نیت باشی.»^۳

ج) سید بن طاووس رحمته الله روایتی در مورد برابری صدقه به یک مد طعام را با یک روز روزه مستحبی نقل کرده و آن را این چنین به امامان معصوم علیهم السلام نسبت می‌دهد: «فقد رأينا و روينا بإسنادنا إلى محمد بن يعقوب الكليني و غيره عن الصادقين عليهم السلام»^۴

د) ابن فهد حلی در کتاب عده الداعی از این تعبیر برای معصومان علیهم السلام استفاده کرده است.^۵
استفاده از تعبیر "صادقین" برای همه معصومین علیهم السلام منشا قرآنی دارد. خداوند در قرآن ما را به رعایت تقوا و همراهی با "صادقین" امر کرده است؛ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ)^۶ چون همراهی با صادقین در همه عرصه‌های زندگی است و استثنایی صورت نگرفته

۱. صدوق، المقتع، ص ۴۹۱.

۲. مفید، المقتع، ص ۹۷ و ۱۰۹ و ۱۱۷ و ۱۶۴.

۳. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۲۹۱.

۴. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۹۷.

۵. ابن فهد حلی، عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۲۶۶.

۶. سوره توبه: ۱۱۹.

است؛ باید کسی که تبعیت از او واجب شمرده شده، یعنی صادقین، معصوم باشد. این استدلالی است که حتی مفسران اهل سنت را به اذعان به معصوم بودن صادقین واداشته است. با توجه به کلمه "باسناده" در عبارت "محمد بن عیسی باسناده عن الصالحین" مشخص می-شود، بین این راوی و صالحین علیهم السلام واسطه وجود دارد. اگر کسی بگوید؛ وجود واسطه دلیلی است بر این که از معصومانی که با آنان هم دوره بوده، این دعا را روایت نکرده (چون برای نقل از معصوم عصر، به واسطه نیازی نیست) می-گوییم؛ ممکن است یک راوی با امامی هم عصر باشد؛ اما به دلیل فاصله مکانی و یا عدم دسترسی به امام و یا دیگر شرایط زمانی، از امام هم عصرش با واسطه روایت نقل کند. علاوه بر آن که با تتبع در روایات این راوی دیده می-شود که باواسطه از معصومان هم عصرش روایت نقل کرده است. پس وجود واسطه دلیل نمی-شود که معصومان هم عصر ایشان، جزء صالحین نباشند؛ یعنی هر یک از عسکریین علیهم السلام (امام جواد علیه السلام و امام رضا علیه السلام) می-تواند منظور از صالحین باشد.

در ارزیابی سند کافی از این دعا با وجود وثاقت راویان، باید گفت سند از یک جهت دچار مشکل است؛ چون محمد بن عیسی با اسنادی که مشخص نیست چه کسانی هستند، از معصومان علیهم السلام دعا را نقل می-کند. اگر این مشکل را بتوانیم حل کنیم، سند دعا از طریق کلینی به معصومین علیهم السلام متصل می-شود. در غیر این صورت، باید به روشی دیگر در پی اتقان بخشی دعا باشیم.

متن دعا در این کتاب با نقل مشهور تفاوت‌هایی دارد. تفاوت اول در ترتیب کلمات دعا و تفاوت دیگر در اضافه شدن واژه "عوناً" قبل از لغت "عیناً" است. دعا بدین صورت نقل شده است:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَّلِيًّا وَ حَافِظًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيْلًا وَ قَائِدًا وَ عَوْنًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيْلًا.»

۲. تهذیب الاحکام

شیخ طوسی رحمته الله (۳۸۵ - ۴۶۰ ق) در این کتاب که از "کتب اربعه" شیعه است، این دعا را ذکر کرده است.^۱ تعلیقی که در کافی بر سند دعا صورت گرفته بود، در این کتاب نیز وجود دارد، با این تفاوت که به جای واژه "صالحین" واژه "صادقین" به کار رفته است و چون شیخ این چند

^۱ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۰۳.

دعا را از مرحوم کلینی رحمته الله نقل می‌کند، در سندی که سند دعا بر آن تعلیق شده، "محمد بن یعقوب" افزوده شده است. تفاوت دیگر نسبت به یکی از روایان به نام علی بن الحسن است که در کافی به نام "علی بن الحسین" آمده بود و طبق دیدگاه آیت‌الله خوئی منظور از آن، همان علی بن الحسن بن فضال بود که ترجمه آن گذشت.

هر چند اکثر محققان کتاب کافی و کتاب تهذیب الاحکام، صادقین و صالحین را به صیغه جمع اعراب‌گذاری کرده‌اند؛ احتمال تشبیه بودن این دو واژه نیز وجود دارد. اگر این احتمال قوت یابد، منظور از صادقین به صورت تشبیه، امام باقر و امام صادق علیهما السلام می‌باشند که محمد بن عیسی با اسناد خودش از این دو امام این دعا را نقل می‌کند. در عین حال باز همان اشکال مرسله بودن به قوت خود باقی است و این روایانی که بین او تا امام صادق علیه السلام هستند، نامشخص می‌مانند و کلامی که در مورد سند کافی گفته شد، این‌جا نیز ساری و جاری است.

۳. مصباح المتهدجد

این کتاب را شیخ طوسی به منظور عمل کردن مخاطبان به آموزه‌های آن تدوین کرده است. ایشان در مقدمه کتاب، غرض از تألیف کتاب را، ذکر دعاهایی که در آثار فقهی ایشان نیامده، بیان داشته است.^۱ استاد ذوالفنون چون ایشان در تدوین آثار خود، به ویژه آثاری که برای عمل تدوین می‌کنند، تمامی جوانب حدیثی آنچه را نقل می‌کنند، در نظر دارند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که هر آنچه ایشان در این کتاب نقل کرده است، در نظر ایشان برای عمل مناسب بوده و از اعتبار لازم برای این کار برخوردار است. اطمینانی که صاحب تألیفات کتاب‌های دعایی به دعا یا زیارتی داشته و به جهت آن اطمینان دعا را در اثر خود نقل کرده‌اند، یکی از طرق اطمینان به ادعیه و زیارات است.

ممکن است گفته شود؛ با توجه به مبنای "تسامح در ادله سنن" به اطمینان به صدور امور مستحبی نیازی نیست و صرف نقل یک دعا یا زیارت، عمل کردن به آن جایز بوده و لازم نیست معتبر شناخته شود؛ بنابراین، از نقل دعا در مصباح المتهدجد نمی‌توان اطمینان شیخ طوسی را به این ادعیه کشف کرد؛ زیرا چه بسا ایشان با مبنای تسامح، این ادعیه را نقل کرده است. در مقام پاسخ گفته می‌شود شیخ طوسی به این مبنا پایبند نبوده است؛ چون اساساً مبنای "تسامح در ادله سنن" که هم قاعده‌ای اصولی و هم قاعده‌ای فقهی به شمار می‌آید، در بین

^۱ همان، ج ۱، ص ۴: «و المقصود من هذا الكتاب مجرد العمل و ذکر الأدعية التي لم تذكرها في كتب الفقه.»

متقدمان مطرح نبوده و از بین متان از علمای شیعه، شهید اول و ابن فهد حلی به این قاعده اشاره کرده‌اند و در واقع تاریخچه این قاعده به زمان شهید اول برمی‌گردد. دعای سلامتی در این کتاب با سند بدون تعلیق بیان شده و شیخ در این کتاب به خلاف کتاب تهذیب که دعا را از صادقین نگاشته، دعا را از صالحین علیهم‌السلام نقل کرده است. متن دعا با متن مشهور در بین مردم یکسان است و گویی متن دعا بر حسب کتاب مصباح در بین مردم شهرت یافته است. متن دعا بنا بر این نقل، بدین صورت است:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فَلَانَ بْنِ فَلَانَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَّلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا
وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

۴. المزار الكبير

ابوعبدالله محمد بن جعفر بن علی المشهدی الحائری، معروف به "ابن مشهدی"؛ مؤلف این اثر ارزشمند است. تولد ایشان سال ۵۱۰ قمری است؛ اما از تاریخ وفات ایشان سندی در دست نیست. ایشان تا تاریخ ۵۹۴ قمری زنده بوده و اتمام تألیف این کتاب، بعد از این زمان بوده است. علامه مجلسی این کتاب را "المزار الكبير" نام نهاده و آن را بزرگ شمرده و آن را از جمله آثار معرفی می‌کند که سید بن طاووس به آن اعتماد و آن را مدح کرده است.^۱ علامه مجلسی در جای دیگر می‌فرماید:

و المزار الكبير يعلم من كيفية إسناده أنه كتاب معتبر و قد أخذ منه السيدان ابنا
طاوس كثيرا من الأخبار و الزيارات، از کیفیت إسناد کتاب مزار کبیر دانسته می-
شود کتاب معتبری است و سید بن طاووس و برادرش، بسیاری از اخبار و زیارات
را از آن أخذ کرده‌اند.^۲

ابن مشهدی در مقدمه المزار الكبير، به اتقان ادعیه و زیارات این کتاب شهادت داده و می-
فرماید:

فإني قد جمعت في كتابي هذا من فنون الزيارات للمشاهد و ما ورد في الترغيب
في المساجد المباركات و الأدعية المختارات و ما يدعى به عقيب الصلوات و ما
يناجي به القديم تعالى من لذيذ الدعوات و الخلوات، و ما يلجأ إليه من الأدعية

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۳۵.

عند المهمات، مما اتصلت به ثقات الرواة إلى السادات...؛ من در این کتابم فنون زیارت کردن مشاهد مشرفه و آنچه موجب رغبت حضور در مساجد را دارد و دعاهایی که اختیار شده و در تعقیبات نمازها خوانده می‌شود و مناجات‌هایی که در خلوتگاه‌ها خوانده می‌شود و استغاثه‌هایی را که هنگام گرفتاری‌های بزرگ باید انجام شود، را جمع‌آوری کرده‌ام که با سند متصل به واسطه راویان مورد وثوق به معصومان می‌رسد.^۱

آیت‌الله خوئی نسبت به این عبارت از کتاب، دیدگاه مساعدی نداشته و این عبارت را به عنوان توثیق عام نمی‌پذیرد؛ زیرا علاوه بر معتبر ندانستن توثیق متأخران، در این که مؤلف کتاب چه کسی است، تردید دارد.^۲ به نظر می‌رسد مبنای سخت‌گیرانه ایشان مانع قبول اعتبار این کتاب شده؛ اما ما به تخصص کتابشناسی علامه مجلسی اطمینان داشته و دیدگاه ایشان در مورد کتاب مزار کبیر را ترجیح می‌دهیم.

یکی از دعاهایی که در این کتاب آمده، دعای سلامتی است که مشخص نشده دعا از چه منبعی نقل شده است. متن دعا، بیش‌تر به متن مصباح المتهجد شبیه است؛ اما عین متن نیست و دارای تفاوت اندکی است و در مزار به جای عبارت "فِي هَذِهِ السَّاعَةِ" عبارت "فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ" آمده است.^۳

از شهادت ابن مشهدی، به اتصال آنچه در کتابش آورده، استفاده می‌شود که این دعا در نظر ایشان متصل بوده و مشکل ارسال در سند ندارد. چه بسا تفاوت عبارت "فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ" قرینه‌ای باشد بر این که ایشان طریق دیگری غیر از طریق کافی در اختیار داشته که در آن طریق، عبارت بدین صورت نقل شده و با توجه به آن طریق سند متصل بوده است.

۵. إقبال الأعمال

سید بن طاووس رحمته الله (۵۸۹-۶۶۴ ق) مؤلف این کتاب است. شخصیت بی‌نظیری که حدود ۵۰ تألیف دارد و بسیاری از آن‌ها در موضوعات دعا و زیارت است. او دارای کتابخانه‌ای غنی‌یی بوده است که حدود ۱۵۰۰ کتاب در آن وجود داشته و در تألیف کتاب‌های خویش از آن‌ها استفاده می‌کرده است.

^۱ ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۸.

^۲ خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۵۲.

^۳ ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۶۱۲.

وی در این کتاب، دعای سلامتی را از کتاب ابنُ اُبی قُرَّة نقل و سند دعا را این چنین بیان کرده است:

ذَكَرَهُ ابْنُ أَبِي قُرَّةٍ فِي كِتَابِهِ: فَقَالَ بِإِسْنَادِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّالِحِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ^۱؛ ابن اُبی قره این دعا
را در کتابش ذکر و دعا را با اسنادش از علی بن الحسن بن الفضال از محمد بن
عیسی بن عبید که با اسنادش از صالحین نقل کرده؛ آورده است.

سید بن طاووس در این کتاب، برای نقل دعا، از طریق جدّ مادری‌اش، یعنی شیخ طوسی اقدام
نکرده تا به سند کافی برسد، بلکه طریق دومی را که همان دسترسی به کتاب ابن اُبی قره باشد،
برگزیده است. راویان این طریق جدید در بخشی از آن، با راویان تهذیب الاحکام و کافی شریف
یکی هستند. در نتیجه در بررسی سندی این طریق به ترجمه ابن اُبی قره بسنده می‌شود.

ابن اُبی قره

نام کامل وی "محمد بن علی بن محمد بن اُبی قره" است که با عبارت "محمد بن علی بن
یعقوب بن اسحق بن اُبی قره" نیز معرفی شده است.^۲ کنیه‌اش اَبوالفرج و با وصف‌های مختلف
القنائی، العنابی، القناتی و القناتی از وی یاد شده است. وصف دیگرش الکاتب است. وی از
مشایخ و استادان مرحوم نجاشی بوده است.^۳

ایشان صاحب تصانیف و کتاب‌هایی از جمله "کتاب الدعاء" بوده و مرحوم ابن مشهدی و سید
بن طاووس از کتاب‌های وی بهره فراوانی برده‌اند.^۴ مرحوم نجاشی قبل از شمارش کتاب‌های
وی در توثیق ابن اُبی قره ابو الفرج القنائی الکاتب می‌فرماید: «کان ثقة، و سمع کثیرا، و کتب
کثیرا و کان یورق لأصحابنا و معنا فی المجالس.»^۵ آیت‌الله خوئی همین توثیق نجاشی را ذکر
کرده و معارضی برایش نیاورده است.^۶

^۱ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۸۵.

^۲ امین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۲۵۹.

^۳ تهرانی، الذریعه، ج ۱۵، ص ۳۴۵ و ج ۲۱، ص ۱۸ و ج ۸، ص ۱۸۴.

^۴ خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۱۱.

^۵ تهرانی، الذریعه، ج ۸، ص ۱۸۴.

^۶ نجاشی، رجال نجاشی، ص ۳۹۸.

^۷ خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۴۲.

اولین ذکر نام حضرت به جای عبارت فلان بن فلان

تا قبل کتاب اقبال الاعمال، در هیچ منبعی نام وجود مقدس امام عصر علیه السلام در دعا نیامده و به صورت رمزی عبارت "فلان بن فلان" آمده است. اولین منبع که به جای این عبارت، لقب حضرت را با صلوات بر اجداد طاهرینش ذکر می‌کند، این کتاب است که حتی نام حضرت را با خاص (که برخی به کار بردن آن را جایز نمی‌دانند) آورده است.

در صدر دعا همان تأکید بر خواندن دعا در هر زمان، به خصوص در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان و در هر حالتی آمده و این چنین از حضرت نام برده شده است:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الْحُجَّةِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمُهَدِيِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ مُؤَيِّدًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا...»

برخی الفاظ دعا با نقل مشهور متفاوت است؛ یعنی به جای واژه "عَيْنًا" واژه "مُؤَيِّدًا" آمده است. طبق نقل کتاب ابن ابی قره، دعا مفصل‌تر است و دعا بعد از عبارت «و تَمَتَّعُهُ فِيهَا طَوْلًا وَ عَرْضًا وَ تَجَعَّلَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ مِنَ الْأَنْئِمَةِ الْوَارِثِينَ...» ادامه پیدا می‌کند.^۱

شاید در نگاه اول چنین به نظر آید که این، دعای دیگری است؛ اما از هماهنگی صدر دعا با نقل کافی و یکی بودن شان نزولش و همچنین از بیان سید در کتاب دیگرش که معرفی خواهد شد؛ استفاده می‌شود که این همان دعای سلامتی است؛ با این تفاوت که طولانی‌تر است. ایشان در کتاب فلاح السائل بعد از این که در مقام فضیلت دعا برای برادران، دعا برای حضرت در نماز وتر را به عنوان حق حضرت می‌داند؛ همین دعای سلامتی را به این منظور معرفی کرده و می‌فرماید:

ذکره محمد بن ابی قره فی کتاب عمل شهر رمضان و روایة ابن ابی قره أطول دعاء و إنما نذکره بروایة جدی ابی جعفر الطوسی، این دعا را محمد بن ابی قره در کتاب اعمال ماه رمضان آورده و روایت او از دعا طولانی‌تر است و من این دعا را با روایت جدم شیخ طوسی ذکر می‌کنم.» و سپس ایشان دعای سلامتی را ذکر می‌کند.^۲

^۱ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص: ۸۵.

^۲ ابن طاووس، فلاح السائل، ص ۴۶.

نکته دیگری که از این عبارت سید در کتاب فلاح السائل به دست می‌آید، آن است که نام کتاب ابن ابی قره که سید از آن دعا را نقل کرده کتاب "عمل شهر رمضان" بوده است. در گزارش نجاشی از کتاب‌های ابن ابی قره، نام کتاب "عمل الشهور" ذکر شده است.^۱ چه بسا منظور سید از کتاب اعمال ماه رمضان همان کتاب عمل الشهور بوده که به صورت خاص نام یکی از آن ماه‌ها را برده است.

۶. فلاح السائل و نجاح المسائل

سید بن طاووس در این کتاب، فصلی با عنوان "فواید زیاد مناجات کردن و فضیلت دعا برای برادران در غیاب آنان و فضایل دعا برای ائمه هدی علیهم‌السلام" آورده است. در این فصل در فضیلت دعا برای امام عصر علیه‌السلام این دعا را به نقل از جدش، شیخ طوسی آورده که با نقل کتاب مصباح‌المتبهجد برابری دارد. پس سند دعا در این کتاب همان سند شیخ طوسی است که در قبل به آن اشاره شد.

نکته قابل توجه در این کتاب آن است که با وجود این که سید همه نقل‌ها از دعا را در اختیار داشته، به نقل عین عبارت شیخ طوسی در مصباح اهتمام داشته و حتی تعبیر "فلان بن فلان" را ذکر کرده و نام حضرت را جایگزین این تعبیر نکرده است.^۲

سید بعد از نقل دعا بر این نکته تأکید دارد که معصومان علیهم‌السلام بر دعا برای وجود مقدس حضرت مهدی علیه‌السلام اهتمام داشته و این اهتمام را از همین دعا برداشت می‌کند. سپس در مقام بیان وظیفه و تکلیف ما در جهت اهتمام به دعا برای حضرت و کوتاهی نکردن در این امر می‌فرماید: «از بسیار دعا کردن برای او- صلوات الله علیه- و برای کسانی که دعا کردن برای آنان در نمازهای واجب، جایز است؛ خودداری مکن!»^۳

۷. مختصر البصائر

مؤلف کتاب مذکور، حسن بن سلیمان حلی رحمته‌الله است. زمان ولادت و وفات وی روشن نیست؛ ولی اجازه‌نامه ای از وی به تاریخ ۸۰۲ هجری وجود دارد که نشان می‌دهد تا این زمان در قید حیات بوده است. ایشان دعای سلامتی را بدون ذکر سند آورده است اما اشاره می‌کند که دعا را از کتاب مصباح‌المتبهجد شیخ طوسی اخذ کرده است. عبارت دعا همانند نقل شیخ در مصباح

۱. نجاشی، رجال نجاشی، ص ۳۹۸.

۲. ابن طاووس، فلاح السائل، ص ۴۶.

۳. همان.

است و در نقل هیچ تغییری نیافته است. در این کتاب به شرح دو عبارت پایانی دعا پرداخته شده است.

۸. البلد الامین و الدرع الحصین

کفعمی (۸۲۰ - ۹۰۵ ق) در این کتاب بدون ذکر سند و منبع، دعا را به معصومان علیهم السلام نسبت می‌دهد. از آن‌جا که متن نقل شده همانند نقل شیخ طوسی در مصباح است معلوم می‌شود که دعا را از کتاب مصباح المتجهد شیخ اخذ نموده است.^۱

یکی از علمایی که در شناخت ادعیه ماثوره مهارت داشته، تقی‌الدین ابراهیم بن علی عاملی کفعمی رحمته الله است. ایشان کتاب البلد الامین را قبل از المصباح که کتاب دعایی دیگر ایشان است، به رشته تحریر در آورده است. روش کفعمی در غالب دعاها و زیارات، این گونه است که فقط معصومی را که دعا از وی آن نقل شده است، ذکر کرده و سلسله راویان تا معصوم علیهم السلام را نمی‌آورد. شاید ایشان با مبنای تسامح در ادله سنن برای عمل به این ادعیه و زیارات، دانستن این نکته را دعا از کدام معصوم عنوان شده، کافی می‌دانسته.

در دو جای دیگر از این کتاب، عبارت‌هایی مشابه دعای سلامتی وجود دارد که در ضمن دعاها دیگر آمده و دعای سلامتی نیست. یکی از آن‌ها، بخشی از دعای معروف به "کنز العرش"^۲ و دیگری در ضمن دعای ساعت دوازدهم^۳ که مخصوص امام عصر علیه السلام است، قرار گرفته‌اند. این موارد دعای سلامتی به حساب نمی‌آید؛ چون سند و شأن نزول آن متفاوت است؛ اما از مشابهت این عبارات با دعای سلامتی می‌توان ماثور بودن این دعا را استنباط کرد؛ چرا که معصومان علیهم السلام همگی نور واحدند و کلامشان با یکدیگر همگونی داشته و مشابهت دارد.

۹. المصباح (جَنَّةُ الْأَمَانِ الْوَاقِيَةِ وَ جَنَّةُ الْإِيمَانِ الْبَاقِيَةِ)

کفعمی در این کتاب دعای سلامتی را بدون ذکر سند آورده و آنان را فقط به معصومان علیهم السلام نسبت داده است.^۴ تنها تفاوتی که با نقل البلد الامین وجود دارد، این است که به جای واژه "فلان بن فلان" نام حضرت، یعنی "محمد بن الحسن المهدی" را قرار داده است. اگر نقل سید بن طاووس از کتاب ابن ابی قره را با دعای سلامتی یکی بدانیم، اولین کسی که به جای

۱. کفعمی، البلد الامین، ص ۲۰۳.

۲. همان، ص ۳۶۰.

۳. همان، ص ۱۴۵.

۴. همان، المصباح، ص ۵۸۶.

تعبیر فلان بن فلان نام حضرت را قرار داده، محمد بن ابی قره است و اگر آن نقل را دعای دیگری بدانیم، اولین نفر در این جایگزینی، مرحوم کفعمی در همین کتابش می‌باشد. کفعمی در مقدمه می‌گوید: «کتاب مصباح را از کتاب‌های مورد اعتمادی جمع‌آوری کردم که باید به ریسمان محکم آن‌ها چنگ زده شود.»^۱ این کلام نظیر شهادت ابن مشهدی در مقدمه کتابش باعث اعتبار ادعیه این کتاب می‌شود که یکی از آن‌ها همین دعای سلامتی است.

۱۰. روضه المتقین

نویسنده کتاب مذکور محمدتقی بن مقصود مجلسی رحمته الله (۱۰۰۳ - ۱۰۷۰ ق) پدر علامه مجلسی است. وی این کتاب را در شرح کتاب من لایحضره الفقیه شیخ صدوق گردآوری کرده است. ایشان در کتاب الصوم در ضمن دعا‌های شب‌های ده آخر ماه مبارک رمضان، متعرض دعای سلامتی شده و دعا را از مرحوم کلینی در کافی شریف با سند ایشان نقل می‌کند.^۲ ایشان در متن دعا بعد از عبارت فلان بن فلان به صورت جمله معترضه می‌فرمایند: «ظاهره جواز التسمیه و یؤول باللقب جمعا بین الأخبار»؛ یعنی ظاهر عبارت این است که نام بردن از حضرت جایز است و لقب حضرت را جایگزین کردن، وجه جمع بین روایات است. از این عبارت، دلیل رمزگونه بودن واژه فلان بن فلان کشف می‌شود. از دیدگاه ایشان بنا بر برخی روایات، چون تسمیه و نام بردن حضرت حرام بوده، تعبیر فلان بن فلان را به کار برده‌اند؛ اما وجه جمع بین روایات آن است که به جواز نام بردن از حضرت قائل شویم و به جای نام خاص، القاب حضرت را جایگزین کنیم.

۱۱. برخی شروح کافی (الوافی - مرآة العقول)

فیض کاشانی رحمته الله (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ ق) در کتاب وافی و علامه مجلسی رحمته الله (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ ق) در مرآة العقول (به منظور شرح کتاب کافی) این دعا را ذکر کرده‌اند.^۳ نکته در خور توجه، نسخه‌هایی از کتاب کافی است که در اختیار این دو بزرگوار بوده است. در زمانی که صنعت چاپ نبوده، روش تکثیر کتاب‌ها به این گونه بوده که یک نفر از روی نسخه اصلی قرائت کرده و کاتبان می‌نوشتند. بعد از اتمام، اگر نسخه‌ای با اصل، مقابله قرائت می‌شد، در اول نسخه درج می‌شد و قیمت بالاتری داشت. مرحوم مجلسی به دلیل تمکن مالی، این دعا را از نسخه‌ای نقل

۱. همان، ص ۴: «و قد جمعت من كتب معتمد علی صحتها مأمور بالتمسک بوثقی عروتها لا یغیرها کر العصرین و لا مرء الملوثین»

۲. مجلسی، روضه المتقین، ج ۳، ص ۴۴۹.

۳. فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۱، ص ۴۰۶ و مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۶، ص ۳۹۴.

کرده که مقابله شده است و لذا نقل مجلسی از دعا دقیق بوده و عین عبارات کافی فعلی است؛ اما نقل مرحوم فیض کاشانی اندک تفاوتی داشته و دقیق نیست. البته ممکن است این، بدان دلیل باشد که مرحوم فیض به نقل کتاب تهذیب الاحکام شیخ نیز نظر داشته و خواسته باشد بین این دو نقل جمع کند علاوه بر آن که احتمال دارد بی‌دقتی در نقل نسخه کتاب وافی صورت گرفته باشد.

۱۲. کتاب‌های دیگر علامه مجلسی

ایشان در دو کتاب دیگرش یعنی کتاب "ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار" و کتاب "بحار الانوار" این دعا را ذکر کرده است. در کتاب ملاذ الاخیار دعا را از کتاب تهذیب الاحکام دعا را نقل کرده و عبارت وی، عین عبارت کتاب تهذیب است که نشان دهنده دقت نقل و فاخر بودن نسخه‌هایی است که نزد علامه مجلسی موجود بوده است.^۱

علامه در جلد ۹۴ بحار الانوار چاپ بیروت، دعا را طبق نقل سید بن طاووس (در کتاب اقبال الاعمال) آورده است. در جلدهای دیگر بحار عباراتی شبیه دعای سلامتی وجود دارد که این دعا نیست؛ اما دربردارنده مفاهیم و کلمات دعا است. به عنوان نمونه در جلد ۸۶ و جلد ۹۹ از همین چاپ، ایشان دعا را از اصلی قدیمی دعا را نقل می‌کند که بعد از نماز صبح روز جمعه باید خوانده شود و در بخشی از آن این عبارت آمده است: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فِي خَلْقِكَ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ مِنْهَا طَوَّلًا وَ تَجْعَلَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ فِيهَا الْأَيْمَةَ الْوَارِثِينَ...»^۲ عبارت مذکور بسیار شبیه عبارات دعای سلامتی است. همچنین در جلد ۸۳ در ضمن ادعیه ساعات، در دعای ساعت دوازدهم عبارت «كُنْ لَهُ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ نَاصِرًا وَ قَائِدًا وَ كَالِئًا وَ سَاتِرًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»^۳ گنجانده شده که با دعای سلامتی هم‌معنا است.

۱۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (محدث نوری)

این کتاب همان طور که از نامش پیدا است، به منظور تکمیل روایات کتاب وسائل الشیعه مرحوم شیخ حر عاملی تألیف شده است. مرحوم محدث نوری رحمته الله (۱۲۵۴ - ۱۳۳۰ق) در این کتاب این دعا را از کتاب کافی شریف نقل کرده است. در کتاب کافی، به خلاف دیگر نقل‌ها از

^۱. مجلسی، ملاذ الاخیار، ج ۵، ص ۱۰۷.

^۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۶، ص: ۳۴۰ و ج ۹۹، ص: ۳۱۴.

^۳. همان، ج ۸۳، ص ۳۵۵.

دعا، کلمه "عوناً" قبل از کلمه "عیناً" آمده است؛ اما ایشان در نقل خود این کلمه را جا انداخته و نیاورده است.^۱ ایشان در پایان دعا اشاره کرده است که دعا با اختلاف کمی در مصباح کفعمی آمده است که شاید به تغییر عبارت فلان بن فلان و نام بردن از حضرت اشاره باشد. النجم الثاقب کتاب دیگر این محدث بزرگ است که در مورد امام عصر ع نگاشته شده است. دوازدهمین دلیل ایشان در پاسخ به یک شبهه، استناد به همان عبارتی است که علامه مجلسی در بحار از اصلی قدیمی به منظور دعا بعد از نماز صبح جمعه، نقل کرده و ما متعرض آن شدیم. همان طور که گفته شد، این دعا، دعای سلامتی نیست بلکه دعای دیگری است که با دعای سلامتی دارای عبارت‌هایی مشابه است.^۲

۱۴. مفاتیح الجنان و منتهی الآمال، اثر شیخ عباس قمی ر (۱۲۹۰-۱۳۵۹ق)

در دو کتاب "مفاتیح الجنان" و "منتهی الآمال"، این دعا ذکر شده است. در کتاب مفاتیح، ایشان دعاهای دهه آخر ماه مبارک رمضان را که از جمله آن‌ها دعای سلامتی است، از کافی و مقنعه و مصباح نقل و ادعا کرده که در کتاب کافی به صورت "مسند" و در دو کتاب دیگر به صورت "مرسل" این دعاها نقل شده است.^۳ همان طور که مشاهده شد، کتاب مقنعه جزء منابع دعا نیامده بود؛ اما ایشان این کتاب را نیز جزء منابع دعا شمرده است. این، بدان جهت است که در کتاب مقنعه، دعاها برای ده شب دهه آخر ماه مبارک رمضان آمده؛ اما به جای دعای سلامتی در شب بیست و سوم، دعای دیگری معرفی شده که شیخ عباس قمی آن دعا را قبل از دعای سلامتی برای این شب آورده است. بنابراین، منظور ایشان کل دعاهای ده روز است و دعای سلامتی را جداگانه در شب بیست و سوم جای داده است. لذا آوردن مقنعه به عنوان منبع دعاهای دهگانه صحیح است و منظور منبع برای دعای سلامتی نیست.

اگر منظور شیخ عباس قمی از مصباح، المصباح کفعمی باشد، "مرسل" بودن دعاها در این کتاب و کتاب مقنعه نیز تایید می‌شود و استنادش به مرسل بودن دعاها در این دو کتاب صحیح است. اما اگر منظورش مصباح المتعجد باشد، در این کتاب برخی دعاها "مستند" آورده شده؛ الاً این که منظور شیخ عباس غالب آن دعاها باشد، که در این صورت صحیح خواهد بود.

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۸۳.

۲. نوری، النجم الثاقب، ص ۴۴۲.

۳. قمی، مفاتیح الجنان، ص ۳۷۶.

دعای سلامتی در مفاتیح، با نقل مصباح المتهجد مناسبت دارد. در مفاتیح به تبعیت از مقنعه و مصباح المتهجد، اول دعای دیگری برای شب بیست و سوم ذکر شده که با عبارت «یا رب لیلۃ القدر» شروع می‌شود و سپس دعای سلامتی عنوان شده است. شیخ عباس بعد از دعای سلامتی دعایی را نقل می‌کند که در کتاب مصباح المتهجد نیامده است اما در کتاب مقنعه بعد از پایان دعاهای دهگانه، دعای سلامتی جداگانه برای اعمال شب بیست و سوم آمده است. از این مطالب استفاده می‌شود که روش ایشان برای بیان دعاهای شب بیست و سوم، الگوگیری از کتاب خاصی نبوده، بلکه با گزینش از کتاب‌های مختلف عمل کرده است.

کتاب دیگر ایشان منتهی الامال است. در فصل ششم کتاب که در مقام بیان شمه‌ای از تکالیف بندگان نسبت به امام عصر علیه السلام است؛ به عنوان سومین تکلیف، دعا برای حضرت بیان شده و دعای سلامتی به این منظور معرفی گردیده است. ایشان در این کتاب، همانند آنچه در مفاتیح آورده، توصیه کرده است که به جای فلان بن فلان تعبیر "الحجة بن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه" گفته شود.^۱ با توجه به فراوانی کتاب مفاتیح در منازل و مساجد، دعای سلامتی با این تعبیر شیخ عباس قمی شهرت یافته و امروز همه با این تعبیر برای امام عصر علیه السلام دعا می‌کنند. اکثر کتاب‌هایی که بعد از ایشان نوشته شده، همین عبارت را به کار برده‌اند. به عنوان نمونه مرحوم آیت‌الله بروجردی در کتاب جامع احادیث الشیعه و مرحوم آیت‌الله احمدی میانجی در کتاب مکاتیب الاثمه همین عبارت را برگزیده و دعا را نقل کرده‌اند.^۲

نتیجه‌گیری

برای وثوق به هر دستورالعمل و از جمله "دعا"، نیازمند طریقی برای تحصیل اطمینان هستیم. یکی از راه‌های تحصیل وثوق به دعا، کثرت منابع و اعتماد به مؤلفان کتاب‌های روایی و دعایی است. به دعای شریف این پژوهش (دعای سلامتی) علما و حدیث‌شناسان زیادی اعتماد کرده و آن را در کتاب‌های خود آورده‌اند. مقدمه برخی کتاب‌ها که بررسی شد نشان‌دهنده آن بود که این بزرگان به آنچه نقل کرده، وثوق داشته و کلامشان در مقدمه، گویای این اعتماد است. برخی منابع همانند کافی و تهذیب از کتب اربعه شیعه دعا را نقل کرده‌اند که به همین دلیل اعتبار دعا افزون می‌گردد.

^۱ همان، منتهی الامال، ج ۲، ص ۸۶۳.

^۲ بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۳۱، ص ۷۷۸ و احمدی میانجی، مکاتیب الاثمه، ج ۱، ص ۱۶.

دو سند برای دعا بررسی شد: اول طریقی که کلینی به محمد بن عیسی داشت و دیگری سندی که سیدین طاووس از کتاب ابن ابی قره نقل کرده که راویان این دو سند یکسان بوده و به محمد بن عیسی بن عبید می‌رسید. از جهت وثاقت راویان، مشکلی متوجه سندها نبود و تنها مشکل، بعد از محمد بن عیسی بود که مشخص نبود به واسطه‌ی چه افرادی دعا را از صالحین نقل کرده است. در مورد صالحین احتمالاتی بیان شد؛ اما به قطعیت نرسیدیم که آیا این واژه به صورت تثنیه است که مراد صادقین باشند یا به صیغه جمع است و مشخص نشد آن چند امام، کدامین معصومان علیهم‌السلام هستند.

در ضمن مأخذ شناسی و بررسی سندی، به تغییراتی که متن دعا در منابع یافته بود، و نیز سیر تطوّر برخی واژگان این دعا مورد بررسی واقع و نتیجه این شد که آنچه امروز به عنوان دعای سلامتی یا فرج در بین عموم مردم شایع شده است، بهترین صورت از متن دعا است که وجه جمع بین همه نقل‌ها است و این دستاورد اخلاص مرحوم شیخ عباس قمی است که آن را در کتاب مفاتیح الجنان آورده؛ چنان که شیوع این کتاب نیز به اخلاص آن مرد و لطف الاهی رقم خورده است. متن آنچه امروز به عنوان دعای سلامتی رایج است در ابتدای این پژوهش آورده شد.

* قرآن کریم.

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل و نجاح المسائل، بوستان کتاب، چاپ اول، قم، ۱۴۰۶ق.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال (ط - القديمة)، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، تهران، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، تهران، ۱۴۰۷ق.
۴. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۱۹ق.
۵. احمدی جلفایی، حمید، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱۸، بررسی سندی دعای سلامت امام زمان
۶. احمدی میانجی، علی مکاتیب الاثمه، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۶ق.
۷. امین، محسن، اعیان الشیعه، دار التعارف للمطبوعات، چاپ اول، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۸. بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعه، انتشارات فرهنگ سبز، تهران ۱۳۸۶ش.
۹. تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، دار الأضواء، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۰. حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۲۱ق.
۱۱. خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، منشورات مدینه العلم، قم. بی تا.
۱۲. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
۱۳. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم. ۱۴۱۳ق.
۱۴. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، المقنع، مؤسسة امام مهدی، قم. ۱۴۱۵ق.
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتهدد و سلاح المتعبد، مؤسسة فقه الشیعه، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۱۷. طوسی، محمد بن الحسن، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و أسماء المصنفین، نشر ستاره، قم، ۱۴۲۰ق.

۱۸. فوایدان، محمد رضا، شرح دعای اللهم کن لولیک، سبط النبى، چاپ اول، قم، ۱۳۸۷ش.
۱۹. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، کتابخانه امیرالمؤمنین، چاپ اول، اصفهان، ۱۴۰۶ق.
۲۰. قرائتی، محسن، شرح دعای سلامتی، انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
۲۱. قمی، شیخ عباس، منتهی الامال، انتشارات هجرت، چاپ سیزدهم، قم، ۱۳۷۸ش.
۲۲. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، انتشارات مشرقین، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۰ش.
۲۳. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، البلد الامین، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۵. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح (جنة الأمان الواقیة)، دار الرضی، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۵ق.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار (ط - بیروت)، دار إحياء التراث العربی، بیروت، دوم. ۱۴۰۳ق.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، دار الکتب الاسلامیة، چاپ دوم، تهران، ۱۴۰۴ق.
۲۸. مجلسی، محمد باقر، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخیار، کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول، قم، ۱۴۰۶ق.
۲۹. مجلسی، محمد تقی بن مقصود، روضة المتقین، موسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۶ق.
۳۰. مفید، محمد بن محمد، المقنعه، کنکره جهانی شیخ مفید، قم. ۱۴۱۳ق.
۳۱. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ ششم، قم، ۱۳۶۵ش.
۳۲. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسة آل البيت، چاپ اول، قم، ۱۴۰۸ق.

۳۳. نوری، حسین بن محمد تقی، النجم الثاقب، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، قم،

۱۴۲۹ق.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجلة الموعود - فصليتان - علمية السنة الأولى، العدد الأول، لشهرى الربيع والصيف لسنة

هيئة التحرير (حسب ترتيب الحروف):
الهي نژاد، حسين (أستاذ معيد فى معهد العلوم والثقافة الإسلامية)
بهروزى لك، غلامرضا (الأستاذ فى جامعة باقر العلوم)
دهقانى آرانى، زهير (باحث فى معهد الدراسات للمهدوية وموعود الإنتظار البويا)
شاكرى زواردهى، روح الله (أستاذ معيد فى جامعة طهران)
صفرى فروشانى، نعمة الله (أستاذ فى جامعة المصطفى العالمية)
عرفان، اميرمحسن (أستاذ مساعد فى جامعة المعارف الإسلامية قم المقدسة)
كلباسى، مجتبی (استاذ فى الحوزة العلمية فى قم)
معنوى، سيدمجتبى (فاضل فى الحوزة، باحث فى معهد الدراسات للمهدوية وموعود الإنتظار البويا)
يوسفیان، مهدى (فاضل فى الحوزة، أستاذ مساعد فى جامعة المصطفى العالمية)

صاحب الامتياز:
معهد البحوث والدراسات المهدوية وموعود الإنتظار البويا؛ مركز المهدوية التخصصى الحوزة العلمية قم المقدسة
المدير المسؤول:
حجة الإسلام والمسلمين مجتبى الكلباسى
رئيس التحرير:
حجة الإسلام والمسلمين مهدى يوسفیان
المدير الداخلى و سكرتير التحرير:
حسين على الجبارى
ويراستار:
ابوالفضل عليدوست
المترجم الإنجليزى:
زينب فرجام فرد
المترجم العربى:
ضياء الذهاوى

عنوان مكتب المجلة : شارع الشهداء(صفائية) زقاق آمار، مركز المهدوية التخصصى، معهد و مركز الدراسات المهدوية وموعود

الإنتظار البويا. رقم الهاتف : ۰۲۵۳۷۸۴۱۴۱۰ ؛ رقم الفاكس : ۱۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰ ؛ الصندوق البريدى : ۳۷۱۳۵۱۱۹

البريد الإلكتروني: mouoodmag@gmail.com

الموقع المجلة : www.mouoodmag.ir

قناة افتراضية: @mahdaviatmag

سعر المجلة: ۳۰۰۰۰۰ ريال

التفكير والتأمل فى النظرية الإسلامية الشاملة فى مجتمع عصر الظهور

حسين إلهى نجاد^١

الخلاصة

المقالة التى بين أيدينا تتطرق الى تبين وتوضيح وتحليل إنتشار رقعة الدين الإسلامى الحنيف فى أوساط المجتمع العالمى ودولة الإمام صاحب العصر والزمان عليه السلام ونفى وزوال الأديان الأخرى من قبيل المسيحية واليهودية والزرذشتية وقد تم الإتيان والتمسك بالادلة المختلفة الواردة فى الآيات القرآنية والروايات الشريفة وذلك من أجل إثبات هذا الأمر، فعلى سبيل المثال فقد أكد القرآن الكريم فى عدة آيات على نزول النبى عيسى عليه السلام وإعتناق جميع أهل الكتاب الإسلام^٢ وكذلك الغلبة الظاهرية والمنطقية للإسلام على سائر الأديان الأخرى وتسليم أتباع جميع الأديان فى مقابل دين الحق وهو الإسلام^٣ وقد تناول الأئمة المعصومين: أيضاً وفى روايات مختلفة لإثبات وبيان هذا الموضوع والبشارة على الوحدة العقائدية والدينية فى الحكومة العالمية للإمام المهدي عليه السلام بعد التصريح بالإعلان عن نفى حالات الإنقسام والتشتت فى الأديان. وبالإضافة الى وجود الآيات والروايات العديدة التى توضح جميعها إنتشار وحاكمية الدين الإسلامى الحنيف فى نهاية التاريخ هناك أدلة أخرى مثل نمو ورشد البعد العقلى والمعرفى لدى الناس فى زمن الظهور والرسالة الخاصة للإمام صاحب العصر والزمان عليه السلام فى تعامله وسلوكه مع المخالفين وتطبيق الأحكام المتعلقة بالجزية والتقية كلها تحكى تحقيق الوحدة العقدية والدينية فى عصر ظهور الإمام المهدي عليه السلام.

المصطلحات المحورية: مجتمع عصر الظهور، الإمام المهدي، شمولية الإسلام، المسيحية، اليهودية، الجزية، التقية.

^١. معيد فى مركز العلوم والثقافة الإسلامية. البريد الإلكتروني: hosainelahi1212@gmail.com.

^٢. سورة النساء، الآيات ١٥٧، ١٥٨، ١٥٩.

^٣. سورة التوبة، الآية ٣٣، سورة الفتح، الآية ٢٨، سورة الصف، الآية ٩.

دراسة مقارنة للآية ١٥٨ من سورة الانعام من منظار الفريقين

على المؤيدى^١

الخلاصة

تُخبر سورة الانعام وفي أواخر الآية ١٥٨ منها عن مجيء يوم في مستقبل أمة الخاتم حيث تظهر في ذلك اليوم بعض الآيات الإلهية، وحينما نتأمل وتعمق في تلك الآية نجد فيها بيان من لم يؤمن قبل ذلك اليوم ولم يقدم نصيباً من العمل الصالح فلن ينفعه الإيمان بعده ويكون من الخاسرين، وهناك ثلاثة آراء مطروحة حول هذه الآية فالقول المشهور للفريقين يراها تتعلق "بشرائط الساعة" وهناك بعض منها يعتقد بأنها تتعلق "بالعذاب الدنيوي" ويرى بعض من مفسري الشيعة إنها مربوطّة "بقيام ونهضة الإمام المهدي عليه السلام والسؤال الأساسي لهذه المقالة هو جعل وعدّ علاقة هذا المقطع من الآية الشريفة مع "قيام الإمام المهدي عليه السلام" والسؤال الاصلى هنا هو كيف يمكن توجيه وتحليل هذا المقطع من الآية مع قيام ونهضة الإمام المهدي عليه السلام؟ فالنظرية المختارة هنا هي عبارة عن تلفيق ودمج الاقوال الثلاثة وبهذه الشكل سنظهر في آخر الزمان وفي زمن قيام الإمام المهدي عليه السلام بعض من الآيات الإلهية فتم التعبير عنها "بأشراط الساعة" وكذلك سيكون وحسب السنن الإلهية حكم دنيوي بين الأمة يتزامن معه نزول العذاب الإلهي وذلك لأجل القضاء على الظالمين وأستخلاف الصالحين بقيادة ومحورية خليفة الله. والمقالة هذه تم كتابتها بأسلوب توصيفي - تحليلي.

المصطلحات المحورية: اشراط الساعة، آيات العذاب، قيام الإمام المهدي عليه السلام، عذاب الإستئصال، الإستخلاف، الصالحون.

^١ طالب في السطح الرابعه لدراسه المهدييه في القران والحديث، مركز المهدييه التخصصي. البريد الإلكتروني:

المهدوية التطلع الأمثل والأنموذج الحذى للثورة الإسلامية وضروراته الثقافية فى فكر ورؤية الإمام

الخامنى

حسن الملائى^١

الخلاصة

مما لاشك فيه فإن حدث وقيام الثورة الإسلامية فى ايران وإنصارها يحظى بأهمية قصوى ومعادلات قيمة ولكن السؤال الذى يقفز الى السطح ماهو " التطلع والأنموذج الأعلى " لهذه الثورة وماهى الإلزامات والضروريات والتعهدات التى يجب مراعاتها وذلك لأجل حفظ وديمومة الثورة الإسلامية التى تنصب لتحقيق أهدافها المنشودة. وقد إستخلص هذا التحقيق والبحث الذى تمحور حول الرؤى والأفكار والتطلعات التى يحملها قائد الثورة الإسلامية سماحة آية الله السيد الخامنى والذى كُتب بأسلوب وصفى - تحليلى الى نتيجة مفادها اولاً : إعتبار المهدوية وظهور الإمام صاحب العصر والزمان عجل الله فرجه هو المثل والتطلع والأنموذج الغائى للثورة الإسلامية الإيرانية وثانياً: إن هناك ضروريات وإلتزامات ثقافية لا بد للعمل والإلتزام بها وذلك لأجل تهيئة الأرضية المناسبة لهذا المثل المقدس وبالتالي الوصول إليه من قبيل الإهتمام والتوجه المستمر بالتطلع والهدف الأسمى للمهدوية والجهاد الثقافى من أجل توطأت المناخ الملائم للظهور والإنتظار المحورى فى طريقة واسلوب الحياة وإيجاد العدالة فى كل المجريات والشرائع وتربية الطبقة الصالحة المنتظرة.

المصطلحات المحورية : الثورة الإسلامية، التطلع والأنموذج، المهدوية، الإنتظار، وظائف المنتظرين، آية الله السيد الخامنى.

^١ طالب فى السطح الرابع فى الحوزه العلميه و فى معهد البحوث و الدراسات المهدويه وموعود الإنتظار البويا. البريد الإلكتروني: hmollaie@chmail.ir

دور التعاليم المهدوية فى السياسة الخارجية للجمهورية الإسلامية الإيرانية

حسين على الجبارى^١

الخلاصة

لاشك ولاريب فإن " التعاليم المهدوية " تعتبر من البحوث الاساسية فى الإسلام حيث يمكن ومن خلال نصوصها الواردة إستخراج التطبيقات والرؤى والاساليب الإنسانية والإسلامية العميقة والمتعالية، ولعل السؤال الذى يدور فى الذهن إنه ماهى المكانة التى تتبوها التعاليم المهدوية الأصلية والأساسية فى رسم السياسة الخارجية للجمهورية الإسلامية وماهو دورها المنوط بعد إنتصار الثورة الإسلامية فى ايران والتى تقوم على حاكمية وترسيخ المذهب الشيعى؟ ومن المؤكد فإن السياسة الخارجية للجمهورية الإسلامية لها قواعد واصول وضوابط مشخصة ونظراً للقوانين والأعراف الدولية فإنها تستفيد وتنهل من الأسس الإسلامية الأصيلة ولاسيما " التعاليم المهدوية " والأخذ منها. وهذه المقالة والتى تم كتابتها بشكل توصيفى - تحليلى توضح وتبين دور التعاليم المهدوية فى صنع السياسات الخارجية والدولية لها مثل نفي الهيمنة والتسلط والدفاع عن المستضعفين وامثال تلك القواعد والمباني وذلك بالنظر الى وجود الاسس الفكرية لها يعنى العمل بالآيات القرآنية والرؤى للقيادات الحكيمة والقانون الأساسى.

المصطلحات المحورية : الآيات القرآنية، التعاليم المهدوية، الجمهورية الإسلامية الإيرانية، القانون الأساسى، السياسة الخارجية.

^١. طالب فى السطح الرابع للحوزه العلميه و طالب فى المرحلة الرابعه للتوجه السياسى - الإجتماعى فى مركز المهدويه التخصصى، البريد الإلكتروني: jabbari.h110@gmail.com

دراسة سير التحقيقات المهدوية في الغرب بعد الثورة الإسلامية الإيرانية

زهير دهقاني الآراني^١ / محمد الكزاي^٢

الخلاصة

من المؤكد فإن عملية التعرف أكثر على المساعي والأهداف التي يحملها المحققين والباحثين الغربيين الناشطين في مجال المهدوية هو من أهم الضروريات الملحة في العصر الراهن وذلك في مرحلة بعد إنتصار الثورة الإسلامية في إيران، وبطبيعة الحال فإن واحد من لوازم وضروريات تحقق هذا الهدف ونيله هو دراسة التغيرات والإعتبارات للتحقيقات والدراسات الشيعية بشكل عام والدراسات التي تتعلق بالمواضيع المهدوية في الأدوار والمراحل الأربعة لمعرفة الشيعة بشكل خاص وذلك من خلال تسليط الضوء والتركيز على التغيرات التي تزامنت مع هذه تلك الدراسات في التحول التاريخي الذي جرى في سنة ١٩٧٩ ميلادي وسعت هذه الدراسة وبواسطة البحث والغور في الآثار التي دوّنها المشتريين من أجل معرفة الدراسات المهدوية الى تحليل وتطبيق الآراء والنظريات الواردة مع الأحداث والوقائع وبالتالي الإرتقاء بالمعلومات المكتسبة والواصلة عن هذا الطريق والنتيجة التي خرجت منها هذه الدراسة هي التعرف على دائرة واسعة من التحقيقات والدراسات في مجال المهدوية للمستشرقين الغربيين والعمل على دراسة أهم النظريات والآراء التي كتبها أهم العلماء. ولاشك فإن الدخول الواسع والمنظم للمؤسسات الحوزوية والجامعات في معترك الدراسات الغربية للمهدوية من الضروريات الملحة إذا ما أخذنا بنظر الإعتبار تعزيز وتقوية الدراسات المهدوية في مرحلة بعد إنتصار الثورة الإسلامية خاصة بعد الأحداث التي جرت في ١١ سبتمبر وذلك نظراً الى المكانة الخاصة لبعض الجماعات المعادية للإسلام مثل الصهاينة في تلك الدراسات.

المصطلحات المحورية: المهدوية، المستشرقون، الدراسات الغربية للمهدوية، الثورة الإسلامية.

^١. باحث في معهد الدراسات للمهدوية وموعد الإنتظار البويا، البريد الإلكتروني: Zdarani@yahoo.com.

^٢. طالب في المرحلة الثالثة في مركز المهدوية التخصصي قم، البريد الإلكتروني: Mohamadamin@yahoo.com.